

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٣١ ١٦٤



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه حقوق عمومی (گرایش حقوق بشر)

تاثیر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر ادله اثبات دعوی کیفری

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق بشر

استاد راهنما:
جناب آقای دکتر ولی رستمی

استاد مشاور:
جناب آقای دکتر غلامحسین الهام

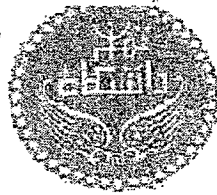
نگارش:
محمد نامی صابر

۱۳۸۹/۱/۲۸

کتابخانه مرکزی دانشگاه
تسبیح برکت

مهر ۸۸۵

۱۳۳۸۶۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق عمومی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: محمد نامی صابر
در رشته: حقوق بشر
گرایش:

با عنوان: تاثیر قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر ادله اثبات دعوی کیفری
زاد تاریخ: ۱۳۸۸/۷/۲۱

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده تن

با نمره نهایی:

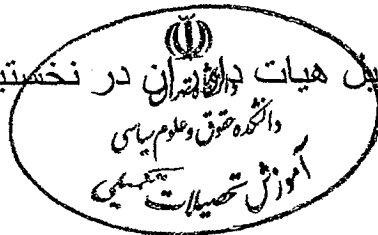
ارزیابی نمود.

با درجه

عالی

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر ولی رستمی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر غلامحسین الهام	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر رضا طجولو	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.



کتابخانه اساتید هیات داوران



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره _____
تاریخ _____
پوست _____

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب همسایه... متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمدیاس ماس
امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
تلفن : ۶۴۹۷۳۱۴

فهرست اجمالی

چکیده ت

مقدمه ث

بخش اول: مبانی و کلیات ۱

گفتار اول:

مبانی نظری حقوق شهروندی ۲

مبحث اول: مفهوم‌سازی کلاسیک شهروندی ۲

مبحث دوم: مفهوم‌سازی شهروندی در دوران معاصر ۹

گفتار دوم:

منابع حقوق شهروندی ۱۹

مبحث اول: اسناد بین‌المللی ۱۹

مبحث دوم: منابع داخلی ۳۷

گفتار سوم:

مبانی نظری ادله اثبات دعاوی کیفری ۴۳

مبحث اول: تعریف دلیل ۴۳

مبحث دوم: بار اثبات دلیل ۴۶

گفتار چهارم:

نسبت ادله اثبات دعوی کیفری با حقوق شهروندی ۴۹

مبحث اول: حق برخورداری از حاکمیت قانون ۵۰

مبحث دوم: حق برخورداری از تشکیلات قضایی مطلوب ۵۷

بخش دوم:

تأثیر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر ادله‌ی تمهیدی اثبات دعوی

کیفری..... ۶۴

گفتار اول:

اصل برائت..... ۶۴

مبحث اول: منابع اصل برائت..... ۶۸

مبحث دوم: آثار اصل برائت..... ۷۴

گفتار دوم:

بازداشت موقت و حقوق شهروندی متهم..... ۸۷

مبحث اول: مبانی قرار بازداشت موقت..... ۸۷

مبحث دوم: تضمین حق آزادی متهم در اسناد داخلی و بین‌المللی..... ۹۰

مبحث سوم: شرایط بازداشت موقت..... ۹۷

مبحث چهارم: ضمانت اجرای بازداشت غیرقانونی..... ۱۱۵

بخش سوم:

تأثیر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر نحوه تحصیل ادله اثبات دعوی کیفری.. ۱۱۹

گفتار اول:

منع تحصیل غیرقانونی..... ۱۲۱

مبحث اول: تحقیق و بازجویی از متهم:..... ۱۲۳

مبحث دوم: منع اجبار، اکراه و اغفال متهم..... ۱۲۷

گفتار دوم:

منع تفتیش در حریم خصوصی افراد..... ۱۴۷

مبحث اول: ممنوعیت هتک حیثیت و حرمت افراد..... ۱۴۸

مبحث دوم: ممنوعیت تعرض غیرقانونی به حریم منازل..... ۱۵۰

مبحث سوم: ممنوعیت تجسس غیرقانونی..... ۱۵۳

نتیجه گیری..... ۱۵۷

منابع..... ۱۶۲

فهرست تفصیلی..... ۱۶۸

چکیده :

حقوق شهروندی به مثابه چتری شهروند و حقوق او را در بر گرفته و حمایت می کند. از جمله مباحث اصلی مطرح در حقوق شهروندی حقوق قضایی شهروند می باشد. شهروند جهت تضمین و اجرای حقوق خود نیازمند تصویری عادلانه از نظام قضایی است. ضرورت تصویری عادلانه از نظام قضایی تنها با ساز و کارها، نهادها و قواعدی تامین می گردد که امر عادلانه قانونی را مدنظر داشته و بهترین و سریعترین شیوه اجرای آن را نیز در پی می گیرد، این همان چیزی است که در نظام های حقوقی پیشرو با عنوان دادرسی عادلانه مطرح است. ساز و کاری که فرد را تا اندازه بسیاری در برابر خطر اعمال هرگونه رفتار غیرقانونی و غیر عادلانه، حمایت می کند.

انگیزه نگارش این پایان نامه ترویج و تثبیت ارکان حقوق شهروندی و بررسی جایگاه در نظام حقوقی ایران است. اما هدف نشان دادن وضعیتی از میزان نیل به سوی حقوق شهروندی و در مفهوم خاص دادرسی عادلانه صرف ورود به این حوزه ارزشمند است لیکن بسط و تثبیت «دادرسی عادلانه» امری خطیر و دشوار است که به نظر نگارنده کمتر با قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی محقق می گردد. «قانون حفظ حقوق شهروندی و احترام به آزادی های مشروع» به عنوان اولیت قانونی که حقوق شهروندی را تصریح نموده است در این زمینه پیشرو است اما هم زمان و طبق این تحقیق به غیر از مواردی اندک صرفاً تأکیدی است بر قوانین پیشین و امری بدیع را پیش رو قرار نمی دهد. و به همین علت بر نظام آیین دادرسی و ادله اثبات دعوی کیفری - که موضوع دادرسی عادلانه است - نیز تأثیر چندانی نگذاشته است.

تحقق حقوق شهروندی در این موضع - دادرسی عادلانه - امری است دشوار که تنها می توان قانون فوق الذکر را به عنوان گامی نخست در این زمینه محسوب نمود.

حقوق شهروندی^۱، اصطلاحی است که در سال‌های اخیر در ادبیات حقوقی - سیاسی کشورمان رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان صاحبان اندیشه رونق پیدا کرده است. مفهوم شهروندی (و به تبع آن حقوق شهروندی) از نظر حیطه شمول مرتبا گسترش یافت؛ به نحوی که امروزه از شش نوع شهروندی یاد می‌شود: شهروندی سیاسی، شهروندی اجتماعی، شهروندی جنسیتی، شهروندی قومی-فرهنگی، شهروندی اقتصادی و بالاخره شهروندی جهانی^۲. در واقع حقوق شهروندی در سایه دولت رفاه، حداقلی از حقوق را برای همگان تضمین می‌کند: حق مسکن و سرپناه، بیمه بیکاری، حداقل دستمزد، مالیات عادلانه، حق مشارکت در امور سیاسی، حق حیات، حق آزادی و ...

یکی از حوزه‌های مهمی که بر رعایت حقوق شهروندی در آن حوزه تاکیدات متعددی دیده می‌شود؛ فرآیند دادرسی کیفری به معنای عام آن از مرحله کشف جرم تا اجرای کامل حکم می‌باشد. این مهم در اسناد بین‌المللی و قوانین دادرسی بسیاری از کشورها مورد توجه و تاکید ویژه‌ای قرار گرفته است. چراکه اساسا تعقیب، سلب آزادی، محاکمه و مجازات‌های مهترین بستر برای نقض حقوق انسان‌ها به دست حاکمان است و به منظور رعایت کرامت انسان‌ها و حفظ حقوق آن‌ها در این حوزه باید نظارت و دقت ویژه‌ای را به کار بست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین منبع قانونی در اصول متعددی به این حقوق اشاره نموده است. در قانون آیین دادرسی کیفری نیز به تفصیل از این حقوق یاد شده است اما به جهت اهمیت در

^۱. *Citizenship Rights*

^۲. ن.ک: هابرماس، یورگن، گفت و گوی هابرماس با پرویز بیران، فصل‌نامه پل فیروزه، شماره ۳، تهران دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱

سال ۱۳۸۳ "قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی" در ۴ بند به تصویب رسید که تاکید آن بر رعایت حقوق افراد در مراحل دادرسی به ویژه بازجویی و تحقیقات مقدماتی می‌باشد.

درست است که افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، دارای حقوق فردی (یا خصوصی) و حقوق عمومی می‌باشند و حقوق شهروندی بر هر دو دسته این حقوق اطلاق می‌شود اما ناگفته پیداست که حق انسان بر تن و آزادی خویش و آثار ناشی از آن مفهومی بسیار ظریف و حساس است که با کرامت انسانی در هم پیچیده است.

در این راستا بررسی تاثیر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به جهت تاکید آن بر کرامت و آزادی انسان- بر سایر قوانین بالادست با آیین دادرسی کیفری در ابعاد مختلف راهگشاست. از طرفی تازه‌های قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بارز می‌گردد و مخاطبان این قانون به ویژه تشکیلات قضایی را با قواعدی نسبتاً جدید رو در رو می‌سازد و ساز و کارهایی را متناسب با فضای معاصر حقوقی جامعه- فراهم می‌آورد که جملگی کرامت بشری و احترام به فرد انسانی را بازگو می‌نمایند. از سوی دیگر قانون مزبور قواعد و پیش‌گفته‌هایی را متذکر می‌شود و این خود مجال است برای ترمیم و بازپروری نظام دادرسی کیفری و از همه مهم‌تر وضع قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی گامی است نو در حرکت به سوی دادرسی عادلانه و این خود دستاورد سال‌ها تعذیب و رنج بشریت است.

این رساله با تشریح مقدماتی، سعی در واکاوی مفهوم حقوق شهروندی و پس از آن بررسی ارتباط این دسته از حقوق با دادرسی عادلانه کیفری دارد (بخش اول).

در ادامه جهت نمایان نمودن تاثیر رعایت این حقوق در نظام دادرسی به ترتیب در بخش دوم و سوم با تقسیم‌بندی ادله به ادله تمهیدی و ادله تحصیلی- تلاش بر آن است که اولاً نقش عناصر تعیین‌کننده در بندهای پانزده‌گانه ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در فرایند

دادرسی معلوم و ثاباً اعتبار دلایل غیرمشروع به دست آمده از این عناصر بررسی و تبیین می‌گردد. در این راستا به بررسی تطبیقی قواعد و قوانین هم‌پوش با در نظر گرفتن اصول و قواعد بین‌المللی دادرسی عادلانه، قناعت شده است.

ضرورت تحقیق

در دوران معاصر حقوق و آزادی‌های اساسی بشر به رسمیت شناخته شده است. ساز و کارهای داخلی و بین‌المللی عصر کنونی در جهت ارتقاء کمی و کیفی این دسته از حقوق برآمده‌اند. در این بین حتی ناقضان حقوق بشر (با تسامح حقوق شهروندی) نیز در سایه همین دسته از آزادی‌ها اقدام به نقض آن می‌نمایند. مسئله فردیت سوژه در دوران مدرن به رسمیت شناخته می‌شود و سوژه به مثابه کنشگر خردورز در هاله‌ای از مصونیت قرار می‌گیرد. از جمله حقوق اولیه انسانی حق حیات و آزادی می‌باشند و از جمله آثار این حقوق حق برداشتن دادرسی عادلانه می‌باشد. دادرسی عادلانه نیز شقوق مختلفی را حمایت می‌نماید که به برخی از این موارد در کانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اشاره شده است. ضرورت این تحقیق -به جهت حمایت خاص این قانون از حقوق متهم- ناگفته پیداست. آزادی و رعایت انصاف حق آحاد بشریت است که در پرتو قرارداد اجتماعی و به تبع آن قواعد اجتماعی رو به افزایش و حمایت روزافزون می‌باشد. به همین علت رعایت و جلوگیری از نقض این دسته از حقوق امری الزامی به نظر می‌رسد.

۱* سوال و فرضیات تحقیق

در این تحقیق با توجه به عدم امکان استفاده از ابزارهای کمی - کوشش برآن بوده است که به طور کیفی نحوه تاثیرگذاری ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بر نظام قانونی ادله اثبات دعوی کیفری مورد بررسی قرار گیرد و قواعد جدید منبث از ماده واحده استخراج گردد در این راستا پرسش‌های زیر مطرح می‌گردد:

۲* سوالات و فرایض تحقیق :

سوال اصلی

۱- فارغ از جدید بودن قواعد مندرج در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که بر فرض عدم رعایت ماده واحده مزبور آیا ادله تحصیل شده معتبر می‌باشند یا خیر؟ به عبارت دیگر به غیر از ضمانت اجرای کیفری و انتظامی، آیا دلیل اکتسابی معتبر است یا اینکه مشروعیت نداشته و مقام قضایی حق استفاده از دلایل نامعتبر را نخواهد داشت؟

سوال فرعی

۲- ضمن بررسی تضمینات حقوق شهروندی در فرایند دادرسی کیفری و موارد ذکر شده در ماده واحده فوق‌الاشعار به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا موارد ذکر شده در این ماده واحده همان تکرار موکد تضمینات مقدر در آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد یا قواعد جدیدی مورد اشاره این ماده واحده قرار گرفته است؟

فرضیه ی اصلی

در پاسخ به سوال اصلی می توان گفت که اصول و ضوابط مندرج در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در اکثر موارد (که شرح آن در بخش دوم و سوم خواهد آمد) دارای ضمانت اجرای مدنی (ابطال تحقیقات و فرآیند دادرسی) می باشد اما نمی توان در تمامی مصادیق نقض قانون حقوق شهروندی ضمانت اجرای کیفری را لحاظ کرد .

فرضیه ی فرعی

در ارتباط با سوال فرعی اینگونه می توان پاسخ داد که به رغم وضع قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تنها در پاره ای از موارد ضوابط و اصول نوینی در راستای دادرسی عادلانه مشاهده می شود چراکه قانون مذکور در بیشتر موارد به تاکید بر رعایت ضوابط پیشین پرداخته است .

۳* طرح کلی تحقیق و روش آن

جهت تحقیق در این موضوع طبق یک تقسیم بندی دلایل به ادله تمهیدی و ادله تحصیلی تقسیم بندی شده و قواعد مندرج در ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در آن جایابی می شود. فایده این تقسیم بندی هنگام نامعتبر بودن این دسته از دلایل مشخص می شود چه ادله تمهیدی نقش غیر مستقیم در تحقیقات دارند لیکن نقش ادله تحصیلی برجسته بوده و به طور مستقیم جریان دعوی کیفری را تحت تاثیر قرار خواهد داد. این تحقیق در سه بخش بیان شده است که در بخش

اول به بررسی کلیات و مبانی نظری حقوق شهروندی پرداخته شده است. در بخش دوم ادله تمهیدی مورد بررسی قرار گرفته و ضمانت اجرای آن تبیین گردیده است. در بخش سوم تاثیر ادله تحصیلی بر نظام دادرسی کیفری و ضمانت اجرای عدم رعایت آن به بوته نقد گذاشته می شود.

روش انجام این تحقیق توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع نیز به صورت کتابخانه‌ای و بررسی

تفصیلی موضوع در کتب، مقالات حقوقی، قوانین و مقررات موضوعه و بررسی رویه قضایی بوده است.

بخش اول:

مبانی و کلیات

گفتار اول:

مبانی نظری حقوق شهروندی

مبحث اول: مفهوم‌سازی کلاسیک شهروندی

مفهوم شهروندی^۱ و حقوق و تعهدات متناظر با این مفهوم و جایگاه اجتماعی، برخاسته از روندهای عینی و تحولات فکری تاریخمندی در درون تمدن غربی است که بدون در نظر داشتن آنها نمی‌توان چنانکه باید تحولات نظری نو در باب این مفهوم را شناخت. هنگامی که از واژه‌ی شهروندی و حقوق شهروندی سخن به میان می‌آید، دو پرده‌ی اصلی که نگرستن به کنه معنای این اصطلاح را دشوار می‌سازند عبارات و معادل‌های فارسی -حقوق و شهروندی- هستند. گرچه نمی‌توان معادل‌های مناسب‌تری برای این واژه‌ها معرفی کرد اما ناچار باید همواره معنای خاص و تاریخی اصطلاحات اصلی و زمینه‌ی شکل‌گیری اندیشه‌های ناظر بر مفهوم شهروندی را در خاطر داشت. حتی اشاره به مواردی که تاثیر تعیین‌کننده بر این مفهوم داشته‌اند بیش از حد طولانی خواهد بود، جز اشاره به گسست‌های جدی این مفهوم پس از عصر رنسانس، فرصت ذکر چیزی نیست.

بعد از دو تجربه‌ی متفاوت یونان و امپراطوری روم، مفهوم شهروندی برای اروپائیان بار دیگر در آثار ژان بدن به شکل جدی مطرح شد. اگرچه ماکیاولی نیز در هر دو کتاب شهریار و گفتارها به شهر و حقوق و

^۱. citizenship

آزادی‌های مدنی در بحث از فضیلت (Virtue) اشاره کرده است^۲، اما در واقع تا پیش از بدن هنوز ایده‌های سنت آگوستین در باب شهر و به تبعیت از آن شهروندی در اروپا رواج داشت^۳. ژان بدن در شش رساله درباره‌ی جمهوریت یا جامعه‌ی مشترک المنافع در بخش‌های ابتدایی و پیش از طرح مفهوم حاکمیت خود به تعریف شهروندی می‌پردازد و می‌گوید: "هنگامی که رئیس یک خانوار حوزه‌ی خانواده را که در آن ریاست دارد کنار می‌گذارد تا به مسائلی که وابسته به منافع مشترک هستند بپردازد از مقام ریاست خود عدول می‌کند و با بقیه در پیوندی برابر قرار می‌گیرد. او دغدغه‌های شخصی خود را کنار می‌گذارد تا به مسائل عمومی (Public) توجه کند. در این مرحله او از مقام ریاست عدول کرده و به یک شهروند تبدیل شده است، و شهروند می‌تواند بعنوان سوژه‌ای آزاد در ظل اقتدار دیگری قرار گیرد."^۴

بدین ترتیب بود که اولین بار مفهوم شهروندی پس از رنسانس مفهوم سازی شد و این شکل از مفهوم سازی چنانکه در ادامه‌ی کار بدن پیداست مستقیماً با مفهوم حاکمیت و تحویل اقتدار به مرجعی که قدرتی بالاتر از قدرت خانواده دارد و جداسازی حوزه‌ی عمومی و خانوادگی پیوند دارد. این شکل از مفهوم سازی در واقع بازگشتی به مفهوم شهروندی در یونان را در دل خود داشت. در تجربه‌ی یونان نیز تفکیک خانواده و حوزه‌ی عمومی پایه‌ی عملی و نظری مفهوم سازی شهروندی بود.^۵ در این مفهوم سازی اولین بار مکتب جمهوریت در تعریف شهروندی طرح شد. با حرکت جغرافیایی فلسفه‌ی سیاسی و طرح مباحث نو در انگلیس، باز این مفهوم شهروندی بود که مورد بازاندیشی قرار گرفت. اما این بار این بازسازی در حوزه‌ی اندیشه‌ی لیبرال و با طرح مفهوم قرارداد و پیوند آن با حقوق طبیعی صورت یافت.

^۲ اسکیتز، کوئنتین، ماکیاولی، مترجم. عزت الله فولادوند. تهران. طرح نو، چاپ اول. ۱۳۷۲، ص. ۱۰۰

^۳ ر. ک. فاستر، مایکل: خداوندان اندیشه‌ی سیاسی، جلد اول، قسمت دوم، تهران. امیر کبیر، ۱۳۸۰، چاپ دوم صص. ۳۷۷-۳۸۰

^۴ Bodin, Jean [1567]: *Six Books of the Commonwealth*, Basil Blackwell Oxford, p. 15.

^۵ Turner, Bryan S. (1994), Postmodern culture/modern citizens, In B. van Steenberg (ed.): *The Condition of Citizenship*, Sage, pp. 153-168

هگل در توضیح این سیر نو بر مفهوم طبیعت تاکید می‌کند و توضیح می‌دهد که نگاه تجربه‌گرای هابز و لاک، بر برداشتی از طبیعت متکی است که در آن طبیعت حوزه‌ای است خارج از حوزه‌ی اراده و قرار داد انسانی و به همین اعتبار قرارداد اجتماعی پایان مرحله یا وضعیت (state) طبیعی است. به این اعتبار و چنانکه در سازه‌انگاری (Constructivism) هابز و اراده‌گرایی (Voluntarism) لاک هم به خوبی مشهود است، سیاست در این معنا برساز (construct) زندگی سیاسی از درون طبیعت است. و به این معنا تعهد به این ساختن جایگزین مفهوم فضیلت شد.^۶ در اینجا و علی‌الخصوص در آثار لاک مفهومی از شهروندی با توجه به آزادی مبتنی بر اراده‌ی انسانی شکل می‌گیرد. لاک در توضیح این شهروندی جوامع یهودی را از جوامع دیگر جدا می‌کند و ادعا می‌کند که لا اقل در جوامع مسیحی حوزه‌ی مدنی از حوزه‌ی دینی جداست و انتخاب حکومت در حوزه‌ی مدنی برای احقاق آزادی‌های مدنی شهروندان است.^۷ و به همین معناست که لاک می‌تواند مفهوم شهروندی را با مفهوم آزادی اقلیت‌ها، تساهل و آزادی بیان شهروندان در برابر حکومت پیوند بزند^۸ و در تمامی آثار خود تنها در نامه‌ای در باب تساهل در باب شهروندی سخن بگوید. به هر حال لاک سنت دیگری را در مفهوم پردازی از شهروندی نمایندگی می‌کند که به آن سنت لیبرال گفته می‌شود که در آن مفهوم شهروندی با مفهوم تابعیت یافتن در یک حکومت مدنی تناظر دارد و در برابر مکتب جمهوری از این مکتب یاد می‌شود.^۹

^۶ Smith, Steven B. (1986): Hegel's Critique of Liberalism, In *The American Political Science Review*, Vol. 80, No. 1, pp. 121-139

^۷ لاک، جان: نامه‌ای در باب تساهل، مترجم شیرزاد گلشاهی کریم. تهران. نشر نی، چاپ دوم. ۱۳۸۳، ص. ۹۹

^۸ همان، ص. ۱۱۸

^۹ ربانی، علی و کیانپور، مسعود: مکاتب علمی و دیدگاه‌های نظری در باب حقوق شهروندی، در مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران. مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول. ۱۳۸۶، صص. ۱۰-۲۷

اما گسست اساسی دیگر در مفهوم شهروندی که سرنوشت این مفهوم را رقم زد در آثار ژان ژاک روسو رخ داد. روسو که خود همواره کتاب‌های خود را بعنوان شهروند جنوا امضا می‌کرد و می‌کوشید تا مفهوم افتخار آمیز شهروندی در ژنو (جنوا) را که بازمانده‌ی نگرش مقدس به پیوندهای مدنی در امپراطوری روم بود همواره نمایش دهد، در آثار خود نیز شهروندی را به عنوان مزیت مفهوم سازی کرد. او اشاره می‌کند که در دولت شهر (city)، که امروزه به آن جمهور (public) گفته می‌شود، قدرت حالت فعال آن چیزی است که در حالت انفعال به آن دولت گفته می‌شود و از طرف دیگر اعضا نیز در جمع به عنوان مردم (people) و به صورت فردی شهروند نامیده می‌شوند.¹⁰ به این ترتیب او شهروند را نیز دارای اراده‌ای می‌داند که متفاوت و یا حتی متعارض با اراده‌ی عمومی است و اساساً شهروندی وجهی از انسان است که اراده‌ی خود مختار و مستقل او را شکل می‌دهد و به همین ترتیب است که روسو استدلال می‌کند که تن دادن به اراده‌ی عمومی تناقضی با شهروندی ندارد و حتی تن دادن به آن به معنای تفکیک این دو وجه از انسان است و استدلال معروف روسو در این باب که حکومت باید انسان‌ها را مجبور به آزادی کند از همین تفکیک آغاز می‌شود.¹¹

روسو در این تلاش لاک و بدن را به یکدیگر پیوند می‌زند. مفهوم آزادی و اراده‌ی لاک با مفهوم حاکمیت و تفویض قدرت به هیات سیاسی نزدیک می‌شود. اما در کنار همه‌ی این تلاش‌ها او در واقع با این کار راه را برای شکل‌گیری یک مفهوم شهروندی که بتواند در آستانه‌ی قرن نوزدهم مسیر رشد ناسیونالیسم رمانتیک را هموار کند باز می‌کند. شهروندی به این معنا امتیازی است که هر یک از اعضای جامعه می‌تواند از آن برخوردار باشد و شرط آن تنها تعلق به توده‌ی مردمی خاصی است که در ذیل یک هیات سیاسی تعریف شوند. این حق

¹⁰ Rousseau, Jean Jacques (2002): *The Social Contract*, Yale Univ. Press, p. 164

¹¹ *Ibid*, p. 166

ویژه اما در کنار خود جبرا امکان قربانی شدن فرد برای خیر عمومی را حفظ می‌کند.^{۱۲} به این معنا روسو پیوند میان حقوق و تعهدات شهروندی را در واژه‌ی خیر عمومی (common good) صورت‌بندی مفهومی می‌کند. خیر عمومی در بیان روسو حوزه‌ی خاصی از فعالیت‌های همگانی را تشکیل می‌دهد که در گستره‌ی دولت ملت سازمان می‌یابد^{۱۳} و در ازای آنها شهروند تعهداتی در قبال دولت ملت پیدا می‌کند. به همین دلیل است که روسو را از دیرباز و در تفاسیر کلاسیکی چون تفسیر کوبن یکی از نظریه پردازان اصلی ناسیونالیسم قرن نوزده^{۱۴} و حتی گاه در تفاسیر جدیدتر مهم‌ترین این نظریه پردازان توصیف کرده‌اند.^{۱۵} کوبن خود اعلام می‌کند که رویکرد روسو برداشتی از ملیت را گسترش می‌دهد که ممکن است به حذف اقلیت منجر شود.^{۱۶} به این ترتیب مسئله‌ی اقلیت با مفهوم سازی شهروندی پیوند خورد.

با این مقدمات بود که شهروندی به جوامع مدرن و تلقی مدرن از جامعه راه یافت. ذکر این نکته روشنگر است که تا پیش از قرن بیستم، نه شهروندی (citizenship) که خود شهروند مورد بحث متفکرین قرار می‌گرفت. با ورود به قرن بیستم چنانکه خواهد آمد شهروندی توانست مستقل از شهروند مورد مذاقه قرار گیرد. با ورود به آن بحث بیشتر روشن خواهد شد که این امر به این دلیل رخ داد که تحلیل منزلت اجتماعی (status) در علوم اجتماعی قرن بیستم - علی‌الخصوص با رشد ساختارگرایی کارکردی که کنشگر را به نقش-منزلت تقلیل می‌داد- جای تحلیل سوژه یا فرد را گرفت. از سوی دیگر برای شهروند حقوقی تصور شد که این حقوق به علت ممتاز بودن وجه شهروندی انسان در گفتمان سیاسی برای آن مطرح شد؛ در واقع فرد، به محض قرار گرفتن در جایگاه شهروندی دارای حقوقی خاص تلقی می‌شد که در این مورد هم دیدگاه روسو که

¹² Qvortrup, Mads (2003): *The Political Philosophy of Jean Jacques Rousseau*, Manchester Univ. Press, p. 67

¹³ Trachtenberg, Zev M. (1993): *Making Citizens; Rousseau's Political Theory of Culture*, Routledge, p. 18

¹⁴ Cobban, Alfred: *Rousseau and the Modern State*, Unwin Univ. Books, pp. 115-116

¹⁵ Qvortrup, Mads: Op.cit p. 74

¹⁶ Cobban, Alfred: Op.cit. pp. 116-125

شهروندی را مزیتی می‌دانست که به محض دارا شدن آن می‌بایست حقوقی خاص به فرد تعلق گیرد بی‌تأثیر نبود.^{۱۷}

با این مقدمات می‌توان به خوبی دریافت که مفهوم حقوق شهروندی بیش از آنکه به شهر وابسته باشد به دولت-ملت مدرن وابسته است و بیش از آنکه در دایره‌ی حقوق مورد بحث قرار گیرد از آنجا که صورتی عرفی و میثاقی (conventional) و سرشتی سیاسی و مدنی دارد موضوع بحث علم سیاست است (البته در اینجا منظور شهروندی جوهری است و نه شهروندی صوری که در بحث از تابعیت بار دیگر ارتباط شهروندی و دولت-ملت را نمایان می‌کند). مفهوم شهروندی در واقع بیش از هرچیز به معنای تعلق به یک دولت شهر است و مباحث مربوط به آن در حوزه‌ای شکل گرفت که آنرا تحت عنوان حوزه‌ی عمومی می‌شناسیم. گرچه از بعضی مناظر دیگر، چنانکه مورد اشاره قرار خواهد گرفت، شهروند و مفهوم شهروندی در امور مدنی (civic) و یا جامعه‌ی مدنی قابل طرح هستند. اما به هر صورت اکنون می‌توان دریافت که صورت لفظی این واژه در زبان فارسی این ارتباط تاریخی را پنهان می‌کند و گاه به اشتباه تلاش‌هایی برای فهم این مفهوم در ارتباط با شهر و زندگی شهری صورت می‌گیرد که درک عمومی از این واژه را تا حدودی خدشه‌دار کرده است.^{۱۸} از طرف دیگر این واژه در ارتباط با واژه‌ی دیگری -حقوق بشر- درک می‌شود که حجاب دیگری برای درک این مفهوم و علی‌الخصوص تحولات این مفهوم بعد از دهه‌ی نود میلادی است. مفهوم شهروندی در دوره‌ی بلوک بندی شرق و غرب تحولاتی اساسی را از سر گذراند که مهم‌ترین آنها صورت‌بندی این مفهوم توسط تی. اچ. مارشال بود، اما با فروپاشی فضای دو قطبی جنگ سرد بار دیگر این مفهوم تغییر شکل داد. فضای علوم

¹⁷ Rousseau, Jean Jacques: Op.cit, p. 247

¹⁸ بنگرید به: ناری ایبانه، محمدرضا: مدل مدیریت شهری شهروند مدار، در مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران

مرکز مطبوعات و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص. ۲۹۲-۳۵۰